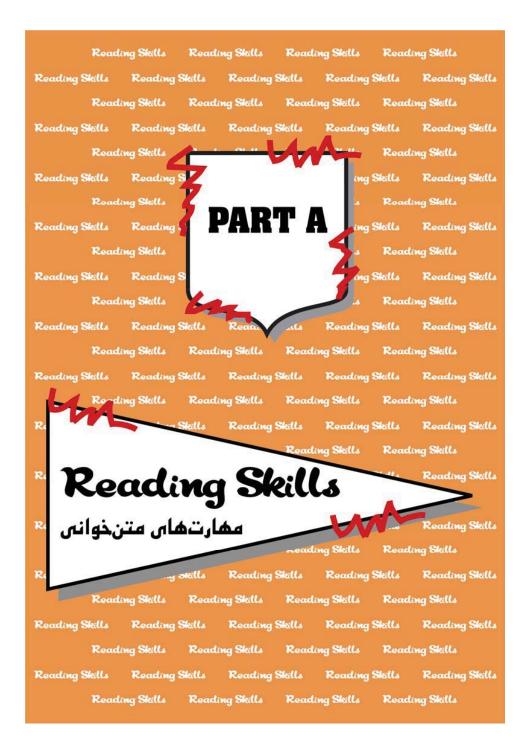
فهرست

صفحه	عنوان
	(Part A: Reading Skills) فصل اول
λ (Chapter 1)	درس اول: برخورد با لغات ناآشنا
γ • (Chapter 2)	درس دوم: برخورد با جزئیات متن
YY(Chapter 3)	درس سوم: پیدا کردن مرجع ضمیر
٣١ (Chapter 4)	درس چهارم: درک موضوع اصلی متن
ΥΛ(Chapter 5)	درس پنجم: استنباط مفاهیم از متن
\frac{P}{F} \qquad \qqquad \qqqqq \qqqq \qqqqq \qqqqq \qqqqq \qqqqq \qqqqq \qqqqq \qqqqq \qqqqq \qqqq \qqqqq \qqqq \qqqqq \qqqqq \qqqqq \qqqqq \qqqqq \qqqqq \qqqqq \qqqqq \qqqq \qqqqq \qqqqqq	
	(Part C: Cloze Tests) فصل سوم
771	Clozeهای تمرینی
۲۵۱	پاسخها (<mark>Answers)</mark>
759	





DEALING WITH UNKNOWN VOCABULARY

برخورد با لغات ناآشنا

یکی از دشواریهای مطالعه ی متنهای امتحانی و کنکور، وجود لغات ناآشنایی است که در کتابهای درسی آنها را ندیده اید. به نکات زیر توجه نمایید:

۱- اصل این است که شما از روی لغت یا عبارت ناآشنا بگذرید و سعی کنید با استفاده از بقیه ی کلمات، در درک مناسبی از جمله داشته باشید. اما گاهی فهم معنی آن لغت در درک منتن ضروری است. در این صورت باید معنی آن را حدس بزنید که در ادامه ی این فصل روشهایی برای این کار به شما ارائه می گردد.

۲- گاهی طراح سؤال، معنی برخی از این لغات را از شما می پرسد (از شما می خواهد معنی آن را حدس بزنید).
 صورت چنین سؤالاتی معمولاً این گونه است:

The word (or phrase) X is closest in meaning to

The word (or phrase) X means

The word (or phrase) X could best be replaced by

- A Ignoring a new word

نادیده گرفتن واژه جدید

بسیاری از اوقات لغت جدید اهمیتی در درک مفهوم کلی جمله و پیگیری موضوع متنی که میخوانید ندارد و می توانید با تمرکز بر بقیه جمله، مفهوم و منظور نویسنده را بفهمید. مثال زیر را درنظر بگیرید:

These farmers grow different things such as carrot, <u>lettuce</u>, and tomato.

این کشاورزان چیزهای مختلفی مثل هویج، lettuce و گوجه فرنگی پرورش می دهند.

خُب، در جملهی بالا مفهوم کلی جمله چهقدر به lettuce وابسته است؟

هیچ! چون lettuce صرفاً یک مثال از چیزهایی است که کشاورزان در مزرعه کشت میکنند. (lettuce یعنی کاهو)

مثال دیگری رو ببینید:

Tom and Carol met each other at the party for the first time. They became interested in each other, got to know each other more, and eventually got married.

تام و کارول در مهمانی برای اولین بار یکـدیگر را دیدنـد. بـه هـم علاقـهمنـد شـدند، هـمدیگـر را بـیشـتـر شـناختند و eventually ازدواج کردند.

به نظر شما معنى eventually چەقدر در درك موضوع متن بالا مؤثر است؟ (eventually يعنى سرانجام).

پس نتیجه می گیریم قدم اول برخورد با واژه ناآشنا صرفاً نادیده گرفتن آن و تمرکز بر لغات کلیدی دیگر جملـه است تـا درک مناسبی از موضوع متن داشته باشیم.

1 - B Guessing meaning from context حدس معنى لغت جديد با استفاده از متن همراه

گاهی می توان معنی یک لغت جدید را از کلمات و جملات اطرافش (متن همراه = context) متوجه شد. بـ ه مثـال زیـر توجه کنید:

I was delighted when I heard that I had passed the difficult exam.

وقتی شنیدم در آن امتحان سخت قبول شدهام، delighted شدم.

از جملهی بالا می توان فهمید delighted حدوداً به معنی «شادمان، خوشحال» است. البته شاید نتوان معنی دقیق این کلمه را حدس زد، ولی قطعاً می توان فهمید که حیطه ی مفهوم آن چیزی در حدود «راحت، خوشحال، هیجانزده» و موارد مشابه است، زیرا کسی که خبر موفقیتش را در امتحانی دشوار می شنود، قاعدتاً خوشحال می شود. توجه کنید که فهمیدن حدود معنی delighted (و نه معنی دقیق آن) برای درک مفهوم جمله کافی است، مگر نه؟

البته گاهی معنی لغت جدید را نمی توان از روی متن همراهش حدس زد:

► I was <u>delighted</u> when I heard the news.

وقتى خبر را شنيدم، delighted شدم.

با توجه به این که سرنخ خاصی در جملهی فوق مبنی بر معنی delighted وجود ندارد، نمی توان معنی آن را حـدس زد (بسته به این که «خبر» چهطور بوده است، حدس ما حالتهای مختلفی می تواند داشته باشد. مثلاً اگر خبر بد بوده، حـدس می زنیم ناراحت، اگر خوب بوده، خوشحال و...)

نمونههایی از کاربرد متن همراه در مدس معنی لغات مدید

معنی کردن Defining

<u>Edelweiss</u> is the Swiss national flower, but it is also found in North America. اصولاً واژهی edelweiss برای شما واژهی ناآشناست، اما نویسنده خودش در جملهی فوق آن را معنی کرده است (معنی کردن: define).

معنى جمله: ادل وايس گل ملى سوئيس است اما در آمريكاي شمالي هم يافت مي شود.

Hypoxia is an illness caused by a shortage of oxygen in the body.

معنی چمله: هیپوکسی بیماریی است که توسط کمبود اکسیژن در بدن ایجاد می شود.

لذا هيپوكسى بيمارى كمبود اكسيژن است.

نوچه نویسنده برای معنی کردن (defining) یک لغت ناآشنا، در کنارش لغتها و عبارتهای کلیدی زیر را می آورد: is/are/means/refers to/...

2 Restating بيان مجدد

Altitude, or the height above sea level, is a factor that affects your breathing.

معنی چمله: altitude ، یا ارتفاع از سطح دریا، عاملی است که روی تنفس شما اثر میگذارد.

عبارت the height above sea level معنى or the height above sea level عبارت

The fox is a <u>nocturnal</u> animal. In other words, it's awake at night and asleep during the day.

معنی چمله: روباه حیوانی nocturnal است. به عبارت دیگر، شبها بیدار و روزها خواب است.

جملهی پس از عبارت in other words ، معنی nocturnal (شبرو، شببیدار) را روشن می کند.

⚠ توجه: نویسنده برای بیان مجدد (restating) معنای یک لغت جدید از لغات و عبارات کلیدی زیر استفاده میکند:

or / that is / that is to say / in other words / i.e. / ...

(.e.) یعنی «به عبارت دیگر»)

استفاده از علایم نشانهگذاری Using Punctuation

Mrs. Green helps the school a lot. She just gave a big <u>donation</u> – a present of six new computers. معثى جمله: خانم گرین به مدرسه خیلی کمک می کند. او به تازگی یک **donation** بزرگ داد ـ هدیـهای شـامل شـش کامپیوتر جدید.

عبارتی که پس از خط تیره (dash) آمده، معنای donation (کمک مالی) را مشخص می کند.

In old times, Egypt was ruled by a pharaoh (king).

معنی جمله: در زمانهای قدیم pharaoh بر مصر حکمروایی می کردند.

کلمه ی king که داخل پرانتز (parenthesis) آمده، مفهوم کلی pharaoh (فرعون، حکمروای مصر) را نشان می دهد.

🚣 توچه: علایم نشانهگذاری مقابل، در نمایاندن معنی یک لغت جدید به کار میروند:

ويرگول (,) خط تيره (-) پرانتز ()

استفاده از مثال Using Examples

Everything we know about early humans such as Neanderthals is based on fossils.

معنى جمله: هرچه ما راجع به انسانهاي اوليه مثل نئاندرتالها ميدانيم، براساس سنگوارههاست.

مفهوم Neanderthals با توجه به واژهی کلیدی such as (مثل، از جمله) قابل درک است (= انسان های اولیه).

Large fish, for example eels, can be seen in this aquarium.

معنی جمله: ماهی های بزرگ مثل eel را می توان در این آکواریوم دید.

توجه کنید که عبارت for example نشان می دهد که eel نوعی ماهی بزرگ است ولی البته نمی توان معنی دقیق آن (مارماهی) را از جمله فهمید.

Jusing Contrasts استفاده از تضادها

This flower thrives in dry, poor soil but dies in too wet conditions.

معنی جمله: این گل در خاک خشک و ضعیف thrive می کند اما در شرایط خیلی مرطوب می میرد.

مفهوم کلمهی thrive (خوب رشد کردن) را با دقت به کلمهی but و تضادی که با die (مردن) دارد، میتوان فهمید.

This snake, unlike a deadly cobra, is benign.

معنی جمله: این مار، بر خلاف یک مار کبرای مرگبار، benign است.

وجود عبارت unlike a deadly cobra نشان می دهد که benign متضاد deadly است (خوش خیم، بی خطر: benign).

استفاده از کلمات مرجع Using Referents

The batteries in the <u>ERS-1</u> will function for 2 years while the satellite is gathering necessary information. معنی جمله: باتری های داخل ERS-1 به مدت دو سال کار می کنند در حین این که این ماهواره مشغول جمع آوری اطلاعات ضروری است.

دقت به کلمه ی satellite (ماهواره) و این که ERS-1 به satellite برمی گردد، معنی ERS-1 را مشخص می کند (= نوعی ماهواره).

He hated that tuxedo. He wondered why he had to wear those kinds of clothes.

معنی جمله: او از آن tuxedo متنفر بود. از خود می پرسید چرا باید آن نوع لباس ها را بپوشد.

عبارت those kinds of clothes مرجع tuxedo است و لذا tuxedo نوعى لباس است (هرچند كه نمى توان فهميـد دقيقـاً چه نوع لباسي (لباس مردانهي رسمي: tuxedo).

Using other words in the sentence استفاده از سایر لغات جمله

▶ He connected all the parts together with <u>deft</u> fingers. His hands were quick and skillful.

معنی چمله: او همهی بخشها را با انگشتان deft به هم وصل کرد. دستانش سریع و ماهر بودند.

Deft يعني «زبردست، ماهر». كلمات quick و skillful راهنماي ما هستند.

The plant's hairs kill useful insects, but this problem can be <u>alleviated</u> by controlling the amount of hair.

معثی چمله: موهای آن گیاه، حشرات مفید را می کشد اما این مشکل را می توان با کنترل مقدار مو alleviate کرد.
مفهوم alleviate و مفهوم کلی جمله می توان فهمید.

🚣 چند نکتهی تکمیلی

۱- برای حدس بهتر معنی یک لغت ناآشنا بهتر است نقش گرامری آن را (این که اسم است یا صفت یا قید یا فعل) در ابتدا تشخیص بدهیم. این امر به درک بهتر معنای آن کمک می کند.

۲- برخی لغات آشنا گاهی در متنها در معانی جدید و ناآشنایی به کار میروند. مثلاً file که به معنی «پرونده، پوشه» است، میتواند به مفهوم «سمباده، سوهان» هم باشد. بنابراین لغات لزوماً همیشه در معانی که ما از آنها میدانیم به کار نمیروند.

۳- باید بدانیم که گاهی نشانه ها و سرنخهای لازم برای حدس معنی یک لغت جدید در چند خط بعد از آن در ادامه ی متن آمده است و لذا نباید خود را محدود به بررسی تنها چند کلمه ی اطراف آن لغت کنیم.

Exercise Find the choice that is closest in meaning to the underlined word.

-	Excitors Time the Ci	loice that is closest in the	anning to the underfined w	oru.		
۱.	A musical comedy has a <u>plot</u> with songs and dances connected to it.					
	1) story	2) map	3) ground	4) building		
2.	Lasers can be used to d	create stunning effects.				
	1) famous	2) excellent	3) confused	4) embarrassed		
3.	This tree is a hardy on	e that can live for 1,500	years.			
	1) strong	2) funny	3) white	4) tasty		
1.	Nitrogen dioxide (NO_2) is a gas with a brownish hue.					
	1) color	2) smell	3) thickness	4) steam		
5.	This disease has many	etiologies rather than a	single cause known to d	loctors.		
	1) beginnings	2) patterns	3) signs	4) causes		
5.	Parasitic plants are plants that survive by using food produced by host plants rather than b					
	producing their own f	ood. They try to make t	their way into the food	channels of the host plant		
	and get the nutrients the	hat they need from the h	ost plant.			
	1) give out	2) produce	3) eat	4) go to		

7. Edna Ferber was a popular American novelist in the first half of the 20th century. She embarked on her career by working as a newspaper reporter in Wisconsin and soon began

writing novels. Her first novel, *The Girl Who Laughed*, was published in 1911, when she was only twenty-four years old.

1) invented instruments

2) started her work

3) played well in theater

4) studied as an artist

What we call weather is largely a matter of air movements. Cold air blows from the north, and warm air from the south. <u>Moist</u> air blows in from the ocean, forming clouds and bringing rain. Dry air blows in from the center and brings <u>drought</u>.

8. 1) dry9. 1) ability

2) hot2) ocean

3) cold3) dryness

4) wet 4) success

10. The second half of a man's life is made up of nothing but the habits he has <u>acquired</u> during the

1) bought

2) sold

3) lived

4) got

🔼 ياسځ:

⚠ **توجه:** در بسیاری از سؤالات این تمرین، از روش حذف گزینه می توان استفادهی فراوان کرد. بـه عبـارت دیگـر می توانید تکتک گزینهها را جایگزین کلمهی جدید کنید و امتحان نمایید که کدامیک بیش تر به مفهوم جمله میخورد.

۱- گزینهی (۱) معنّی چمله: کمدی موزیکال داستانی دارد که اَهنگها و رقصهایی متصل به اَن هستند.

۲- گزینهی (۲) معنی جمله: از لیزر می توان برای خلق جلوه های (اثرات) شگفت انگیز استفاده کرد.

🕻 **توشیح:** گول گزینهی ۳ را نخورید که یعنی «گیج شده». کلمهی confusing یعنی «گیجکننده».

۳- گزینهی (۱) معنی چمله این درخت، درختی قوی و جانسخت است که می تواند برای ۱۵۰۰ سال زنده بماند.

۵- گزینهی (۱) معنی جمله: NO₂ گازی است که رنگ مایل به قهوهای دارد.

🍄 توجه کنید که steam (بخار) مربوط به «آب» است.

۵- گزینهی (٤) معنّی چمله: این بیماری علل زیادی دارد، در عوض این که یک علت واحد شناخته شده برای برشکان داشته باشد.

۶- گزینهی (٤) معنّی متّن؛ گیاهان انگل گیاهانی هستند که با استفاده از غذایی که توسط گیاهان میزبان تولید می شود، زنده می مانند، در عوض این که خود غذایشان را تولید کنند. آنها سعی می کنند به مسیرهای غذایی گیاه میزبان را و اید کنند. آنها سعی می کنند به مسیرهای غذایی گیاه میزبان بگیرند.

۷- گزینهی (۲) معنّی مترّه ادنا فربر یک رماننویس محبوب امریکایی در نیمهی اول قرن بیستم است. او مسیر شغلی خود را با کار به عنوان یک روزنامهنگار در ویسکانسین آغاز کرد و خیلی زود شروع به نوشتن رمان کرد. اولین رمانش، «دختری که خندید» در ۱۹۱۱ وقتی که او فقط ۲۴ سال داشت، چاپ شد.

۸- گزینهی (ع) و ۹- گزینهی (۳) معنی متن، آنچه ما وضع هوا می نامیم عمدتاً مسئله ی جابه جایی هواست. هوای سرد از شمال می وزد و هوای گرم از جنوب. هوای مرطوب از سمت اقیانوس می وزد و ابرها را تشکیل می دهـ د و باران می آورد. هوای خشکی به همراه می آورد.

-۱- گزینهی (٤) معنّی چمله: نیمه ی دوم زندگی بشر از چیزی ساخته نشده است، جز عاداتی که در طی نیمه ی اول کسب کرده است.

1 - C Word Formation واژهسازی

یکی دیگر از روشهای فهم معنی یک لغت جدید، توجه به نحوهی ساخته شدن آن کلمه از طریق ترکیب کلمات و یا به کمک پیشوندها، پسوندها و ریشههاست. به عنوان مثال مفهوم کلمهی firefighter از روی کلمات سازندهاش مشخص است:

یا معنای کلمه ی microbiology از روی پیشوند، ریشه و پسوندش مشخص است:

علم مطالعه ی موجودات کوچک = microbiology: micro + bio + logy = علم مطالعه ی مطالعه کوچک مطالعه حیات خیلی کوچک

در این جا به برخی پیشوندها و پسوندهای رایج در زبان انگلیسی اشاره می کنم:

:లేరుి 🚣

- ۱- **لزومی ندارد لیستهای زیر را حفظ کنید،** بلکه آنها را هر چند وقت یکبار بخوانید و هر بار به کلمه ی مرکبی برمیخورید، با مراجعه به این لیستها، آن را تحلیل و تجزیه کنید.
- ۲- پیشوندها (prefixes) معمولاً معنی کلمه را تغییر میدهند در حالی که پسوندها (suffixes) معمولاً نقش گرامری کلمه را عوض میکنند.

پیشوندهای مهم

پیشوند	مفهوم		مثال
uni–	یک	uniform	یک شکل
bi–	دو	bicycle	دو چرخه
tri–	سه	tricycle	سەچرخە
multi–	چند	multilayer	چندلايه
centi-	صد / یکصدم	centimeter	سانت <i>ى</i> متر
kilo–	هزار	kilogram	كيلوگرم
pre–	قبل از	pre-reading	قبل از مطالعه
post–	بعد از	post-war	پس از جنگ
inner–	داخلی	innermost	داخل <i>ی</i> ترین
sub–	زير	subway	قطار زیرزمینی
super-	كالب	superman	اَبَرانسان
trans-	در عرض	Trans-Atlantic	در عرض اقیانوس اطلس
tele–	دور	television	تلويزيون
re-	دوباره	review	مرور کردن

پیشوندهای منفیساز

پیشوند	واژه		مثال
a–	typical	atypical	غيرمعمول
ab–	normal	abnormal	غيرعادي
dis–	agree	disagree	مخالفت كردن
mis-	use	misuse	استفادهي غلط
il–	legal	illegal	غيرقانوني
im–	polite	impolite	ب <i>ی</i> ادب
in–	complete	incomplete	ناكامل
ir–	regular	irregular	نامنظم
un–	able	unable	ناتوان

پسوندهای اسهساز

پسوند	واژه		مثال
–al	try	trial	محاكمه
–er	teach	teacher	محاكمه معلم مخترع
-or	invent	inventor	مخترع
-ment	agree	agreement	توافق
-tion	create	creation	خلق
-ation	inform	information	اطلاعات
-sion	discuss	discussion	اطلاعات بحث و بررسی
–ure	fail	failure	شكست
-y	discover	discovery	كشف
-ance	accept	acceptance	قبول
-ence	exist	existence	هستي، وجود
-ness	kind	kindness	هستی، وجود مهربانی
-ity	active	activity	فعالیت انسان گرای <i>ی</i>
–ism	human	humanism	انسان گرایی

پسوندهای فعلساز

پسوند	ريشه		مثال
ina (iaa)	real	realize	فهميدن
–ize (ise)	civil	civilize	متمدن كردن
	weak	weaken	ضعيف كردن
-en	hard	harden	محكم كردن
	uni–	unify	متحد كردن
-ify	clar–	clarify	روشن کردن، توضیح دادن
ata	educ-	educate	تعلیم دادن، تربیت کردن
–ate	commun-	communicate	ارتباط برقرار كردن

پسوندهای صفتساز

پسوند	واژه		مثال
-у	rain	rainy	باران <i>ی</i>
–ful	care	careful	بادقت
-less	care	careless	بىدقت
–ic	economy	economic	اقتصادى
–ical	economy	economical	صرفهجویانه، مقرون به صرفه
-ish	child	childish	بچە گانە
–ous	danger	dangerous	خطرناک
–al	emotion	emotional	عاطفي
-ary	moment	momentary	لحظهاي
–ly	friend	friendly	دوستانه
-ive	invent	inventive	خلاق
–able	agree	agreeable	موافق، مطلوب
–ible	sense	sensible	معقول
-ive	attract	attractive	جذاب
–ant	please	pleasant	خوشايند
–ent	depend	dependent	وابسته
–like	child	childlike	بچە گانە
-ing	excite	exciting	مهيج
–ed	confuse	confused	مهیج گیج شده

پسوند قیدساز

پسوند	ريشه	مثال
–ly	happy	happily

🔢 تمرین، کلمات زیر را به اجزای سازنده تقسیم کنید و در آخر معنی آنها را حدس بزنید.

replacement-unsystematically-usefulness-development-productive-dishonesty-prearranged

🔼 پاسځما:

```
replacement = re- + place + -ment جایگزینی unsystematically = un- + system + -atic + -al + -ly فایده، کارایی usefulness = use + -ful + -ness توسعه، پیشرفت development = develop + -ment توسعه، پیشرفت productive = produce + -ive مفید، حاصلخیز dishonesty = dis- + honest + -y دروغگویی، عدم صداقت prearranged = pre- + arrange + -ed از قبل تنظیم شده
```

1 - D Additional Tips نكات تكميلي

۱- همهی لغات جدید موجود در یک متن همارزش نیستند. دانستن معنی دقیق برخی از آنها ضروری است (مثلاً آنهایی که پس از اتمام متن در بخش سؤالات، معنایشان پرسیده شده است یا آنهایی که در جملهی اول متن آمدهاند یا آنهایی که در متن تکرار میشوند)؛ معنی برخی دیگر را در حد کلی باید فهمید و صرف وقت بیش از حد برای کشف معنی دقیق آنها بیفایده و در مواردی مضر است. بسیاری از لغات جدید را هم باید اصولاً نادیده گرفت و از روی آنها گذشت. به متن نمونهی زیر توجه کنید.

Autism is a <u>developmental</u> disease that is <u>characterized</u> by serious behavioral abnormalities across all <u>primary</u> areas of functioning. It generally makes itself known by the age of two and one-half. It is not a single disease <u>entity</u> but is instead a <u>syndrome</u> made up of patterns and different characteristics.

اگر لغاتی را که زیرشان خط کشیده شده است، لغات جدید بدانیم، می توانیم آن ها را به سه دستهی زیر دسته بندی کنیم:

دانستن معنی دقیق آن ضروری است	دانستن حدود معنی آن کافی است	دانستن معنى آن لازم نيست
autism developmental	characterized syndrome characteristics	primary entity

معنی پاراگراف: او تیسم (در خودماندگی) بیماری پیشروندهای است که ویژگی آن، ناهنجاریهای رفتاری جدید در تمام زمینههای اصلی عملکردی است. این بیماری عموماً خود را تا قبل از سن دو و نیم سالگی نمایان می کند. این بیماری ماهیت یک بیماری واحد را ندارد، بلکه در عوض نشانگانی ساخته شده از الگوها و ویژگیهای مختلف است.

اصولاً در هنگام خواندن یک جمله باید حتی الامکان به لغات کلیدی و اصلی نگاه کرد و نباید گذاشت که لغات ناآشنا در جریان درک مفهوم جمله خللی ایجاد کنند. اگر معنی آنها را حدس زدیم که چه بهتر! اما اگر نه، باید از رویشان بگذریم و روی موضوع اصلی متن متمرکز باشیم.

- Y- لغات می توانند یک معنی صریح (denotative meaning) و یک معنی ضمنی (connotative meaning) داشته باشند. معنی صریح همان معنایی است که لغتنامه ارائه می دهد و معنی ضمنی معنایی است که از متن همراه خاصی که در آن آمده است، استنباط می شود.
- ▶ 1) The sky was <u>clouded</u> yesterday.

۱) دیروز آسمان ا**بری** بود.

2) Anger clouded his judgment.

۲) عصبانیت قوهی قضاوت او را مختل کرد.

▶ 3) This is a firm apple.

۳) این یک سیب سخت است.

- 4) He needs a firm hand to help him.
- ۴) او به فرد قابل اعتمادی نیاز دارد که به او کمک کند.

▶ 5) He had a heart attack.

۵) او دچار حملهی قلبی شد.

- ▶ 6) He wanted to be at the <u>heart</u> of the city.
- ۶) او میخواست در مرکز (قلب) شهر باشد.

معنی ضمنی یک لغت وقتی به کار می آید که معنی صریح آن در آن جمله مفهوم مناسبی نداشته باشد. البته معنی ضمنی هر لغت در عمق خود به معنی صریح آن ارتباطهایی دارد.

۳- گاهی در سؤالات امتحانی، معنی لغتی را از شما میپرسند که برایتان آشناست. توجه فرمایید که شما ممکن است با تنها یک معنی آن لغت آشنا باشید اما در آن متن امتحانی معنای دیگری مورد نظر باشد. مثلاً لغت fortune که در کتابهای دبیرستان به معنی «شانس، بخت» دیدهاید، می تواند به مفهوم «پول هنگفت، شروت» هم باشد. لذا بدون خواندن متن همراه آن لغت جدید و بدون بررسی آن متن خاص، به سؤال جواب ندهید.

When you really want something to happen, the whole universe conspires so your wish comes true.

Paulo Coelho

Review Test 1

(Based on Chapter 1)

Read the following passages and answer the questions that follow. You have 10 minutes to do this.

For years, the only robots around were the stars of space movies. Nowadays, robots are everywhere in everyday life. They <u>assemble</u> cars and trucks. They drive trains. They go into hard-to-reach places like pipes and make repairs. They help doctors perform difficult operations. They even clean houses, explore the bottom of the sea, and <u>roam</u> the surface of Mars.

1.	The word "assemble"	in line 2 is closest	in meaning to	•••••		
	1) send into space		2) put together	2) put together different parts		
	3) love very much	4) spend mone				
2.	The word "roam" in li					
	1) travel around	2) live and die	3) feel excited	4) talk to		
	0					
3.	The word "toxic" in lin	ne 1 is closest in m	eaning to			
	1) cold	2) perfect	3) hot	4) dange	rous	
rei	Medical robots let sur oots can move exactly to note operations. Patients The word "remote" in 1) funny and amusing 3) done from far away	the right place a s are in other place	nd in the right way. es, sometimes hundre	Surgeons also use ds, or even thousan ıl physically	them to perform	
inf	a safe place to land. Tormation about soil and The word "roll" can be 1) move	l rocks. They took	pictures and transm	_		
	1) 1110 (0	2) 040	s) sicep	.,	🔼 پاسځ کو تاه:	
_ل	آموزش شده در ایــن فصـ	م' و تنها روی مهارت	ک دقیق تمام متن نیستیہ	این مقطع به دنبال در	- •	
					تمركز كنيد.	
				معنى: سر هم كردن	۱– گزینهی (۲)	
				معنى: پرسه زدن	۲– گزینهی (۱)	
				•	۳– گزینهی (٤)	
				_	٤– گزينهي (٣)	
			رکت کردن با چرخ	معنی: غلت زدن، ح	۵– گزینهی (۱)	
	4		_			
ران	واهد در صفحات بعدی داریم. نگ	اسخ تشریحی تا دلتان بخ	ر را ننوشتهام. متن با معنی و پ	تنهای ازمون انتهای فصل	۱. به همین دلیل معنی م	

۱. به همین دلیل معنی متن های ازمون انتهای فصل را ننوشتهام. متن با معنی و پاسخ تشریحی تا دلتان بخواهد در صفحات بعدی داریم. نگران نباشید!

مهارتهای متنخوانی فصل اول ۱۹

New Words

truck	كاميون	scan	نگاه کردن و دنبال جزئیات گشتن	pipe	لوله
wheel	چرخ	blow up	منفجر كردن	transmit	فرستادن
surgeon	جراح				

Darkness cannot drive out darkness; only light can. Hatred cannot drive out hate; only love can do that.

Martin Luther King, Jr.



DETAIL QUESTIONS

سؤالاتي كه از جزئيات متن مييرسند

رایجترین نوع سؤالات درک مطلب، سؤالاتی هستند که از جزئیات ذکر شده در متن می پرسند. به نکات زیر توجه نمایید: ۱ - صورت چنین سؤالاتی معمولاً به شکل زیر است:

According to the passage, ...

According to the author / writer, ...

It is TRUE / CORRECT that ...

It is **FALSE / WRONG** that ...

The writer mentions / states that ...

Y- برای پاسخگویی به این سؤالات، یک یا چند کلمهی کلیدی را در صورت سؤال مشخص کنید و سپس دنبال این کلمه یا کلمات کلیدی در متن بگردید. به این کار خواندن گزینهای (scanning) می گویند. برای پیدا کردن این کلمه ی کلیدی، لزومی ندارد متن را دوباره بخوانید، بلکه باید با نگاهی روزنامهوار خیلی سریع چشمانتان را روی سطرهای متن بلغزانید تا آن کلمه ی کلیدی پیدا شود. توجه فرمایید که ممکن است بهجای خود آن کلمه ی کلیدی، کلمات مترادف و هم مفهوم با آن در متن پیدا شود. سپس جملات اطراف آن کلمه ی کلیدی را بخوانید تا به پاسخ برسید.

۳- پاسخ سؤالاتی که از جزئیات می پرسند، معمولاً به همان ترتیب ارائهی اطلاعات در متن است. به عبارت دیگر، پاسخ اولین سؤال از این نوع در اوایل متن است؛ پاسخ سؤال دوم بعد از آن خواهد بود و الی آخر.

۴- پاسخ چنین سؤالاتی معمولاً بیان مجددی از اطلاعات موجود در متن است و به زبان ساده تر، خود جمله ی موجود در متن را عیناً در پاسخ پیدا نمی کنید، بلکه مفهوم آن را به بیانی دیگر خواهید یافت.

۵- گاهی چنین سؤالاتی از شما می پرسند که کدام گزینه صحیح نیست یا در متن ذکر نشده است. صورت چنین سؤالاتی معمولاً کلمات NOT یا EXCEPT دارد:

According to the passage, it is **NOT** true that

All of the following are mentioned in the passage **EXCEPT**

🔢 متن زير را بخوانيد و به سؤالاتش پاسخ دهيد.

What happens if you don't get enough sleep? Randy Gardner, a high school student in the United States, wanted to find out. He designed an experiment on the effects of sleeplessness for a school science project. With doctors watching him carefully, Gardner stayed awake for 264 hours and 12 minutes. That's eleven days and nights without sleep!

What effect did sleeplessness have on Gardner? After 24 hours without sleep, Gardner started having trouble reading and watching television. The words and pictures were too <u>blurry</u>. By the third day, he was having trouble doing things with his hands. By the fourth day, Gardner was <u>hallucinating</u>. For example, when he saw a street sign, he thought it was a person. He also imagined he was a famous football player. Over the next few days, Gardner's speech became so slurred that people couldn't understand him. He also had trouble remembering things. By the eleventh day,

11

Gardner couldn't pass a counting test. In the middle of the test he simply stopped counting. He couldn't remember what he was doing.

When Gardner finally went to bed, he slept for 14 hours and 45 minutes. The second night he slept for twelve hours, the third night he slept for ten and one-half hours, and by the fourth night, he had returned to his normal sleep schedule.

1.	Randy Gardner was a in the U.S	S.	
	1) famous scientist	2) medical doctor	
	3) 24-year old man	4) student teenager	
2.	Randy stayed awake for		
	1) about 3 days	2) more than 11 days	
	3) 26 hours	4) about 24 hours	
3.	Randy got back to normal by the	night after the experiment had ende	d.
	1) first 2) second	3) third 4) fourth	
4.	The word "blurry" in the 2 nd paragraph n	neans	
	1) difficult to say	2) sharp and clever	
	3) unclear to see	4) hard to write	
5.	The word "hallucinate" in the 2 nd paragra	aph is closest in meaning to	
	1) have new ideas for making sth	2) behave like a grown-up person	
	3) ask questions that are hard to answer	4) see or hear things that don't rea	lly exist
			🔼 پاسځها:
	ی نماییم و پاسخ سؤال را در جملهی دوم پیدا مـی ک	Randy Gardner CAS CASS 4	•
سيم	ی مهاییم و پاست سوال را در جمعت کی دوم پیدا سی ک		
		gid).	gh school student)
اول	ننیم و پاسخ سؤال را در دو جملهی آخر پاراگراف	به عبارت کلیدی stayed awake دقت می	۲– گزینهی (۲)
		(eleven days a	سیابیم (nd nights
			, –
_ود	جـه کنیـد. پاسـخ در خـط آخـر مـتن یافـت مـیش		
		.(by	the fourth night)
	، فصل اول طرح شدهاند.	این سؤال و سؤال بعد به هدف مرور مطالب	8– گزینهی (۳)
	- سرنخی پیدا میکنید:	ار، مبهم». اگر جملهی قبل از آن را بخوانید، س	غت blurry يعنى «ت
Не	had trouble reading and watching television.	ای تلویزیون مشکل داشت.	و در مطالعه و تماش
		blurry يعني «ناواضح، سخت براي ديدن».	, داشت می کنیم که
	ارم داد آن تا کرد.	لغت hallucinate يعني «توهم داشتن». به دو	,
****		1	۵- ترینهی (۲)
Wh	en he saw a street sign, he thought it was a po		
		ی رانندگی را میدید، فکر میکرد آدم است.	
Не	also imagined he was a famous football player	د فوتبالیست مشهوری است. er.	همچنین تصور م <i>ی</i> کہ
	رانید گزینهها را تک به تک جــای لغــت مــورد نغ	لات «حارب مون افت حاربا» هممارم م	آم ت در س ائل

جایگذاری کنید تا ببینید کدامیک معنای بهتری به جمله می دهد.